



دکتر میرجلال‌الدین کزازی،
محقق و پژوهشگر

نوروز

درفش فرهنگ ایران

بدارند.

ایران سرزمین جشن‌های بسیار و آیین‌های پرشمار شادمانی بوده است که پیشینه آنها در گرد و غبار روزگاران پوشیده مانده‌اند و به فراموشی سپرده شده‌اند. پرسشی بنیادین، بر این پایه، آن است که چرا جشن و آیین نوروز در آن میان، بر جای مانده است و هنوز با شگرفی و شکوه دیرینه برگزار می‌گردد؟ پاسخ‌هایی چند بدین پرسش می‌توانیم داد. اما نغزترین و روشن‌ترین پاسخ که به شیوه‌ای گوهرگرایانه و پدیدارشناختی، چیستی نوروز را آشکار می‌دارد و از پرده بدر می‌افکند، این است: نوروز معنایی ژرف و جهان‌شناختی را در خود نهفته می‌دارد و به گونه‌ای نمادین و رازآلود، آفرینش را باز می‌تابد و باز می‌نماید. نوروز به راستی "جشن بازگشت به آغاز" است و بازنمای و رازگشای این نکته نغز نمادین و باورشناختی که یک چرخه آفرینش یا سال نمادین اسطوره‌ای به فرجام می‌رسد تا چرخه و سالی دیگر آغاز بگیرد. در نوروز، آفرینش به آغاز خویش باز می‌گردد. بازگشت به آغاز همواره برابر است با جوانی و پرتوانی، با شکفتگی و شادابی، با پاک‌ی و پالودگی. از آن است که با فرا رسیدن نوروز، خورشید به باره بره (برج حمل) درمی‌آید و ترازمندی بهاری (اعتدال‌ربیعی) روی می‌دهد و بهاران آغاز می‌گیرد. بدین سان، بر چیرگی شب تاریکی و سرما فرجام نهاده می‌شود؛ پیری و پژمردگی، فرسودگی و افسردگی به پایان می‌آید؛ تا گیتی، با رستاخیزی همه سویه و همه رویه، جوانی و شادابی از سرگیرد و آفرینش، به شیوه‌ای رازآلود و نمادینه، به آغاز خویش بازگردد. نوروز و بازگشت به آغاز، بر همه ایرانیان که خورشید خوی‌اند و بهار آیین، فرخنده باد!

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌ها و آیین‌های ایرانی است که از فراسوی هزاره‌ها تاکنون پاییده است و ایرانیان، همساز و هماهنگ با نیاکانشان، آن را با شکوه بسیار برپا می‌دارند. ارج و کارکرد نوروز، در فرهنگ و تاریخ ایران، به گونه‌ای بوده است و هست که این آیین و جشن برترین نماد آن تاریخ و فرهنگ گردیده است و درفش همواره افراخته آن؛ به گونه‌ای که می‌توانیم بی‌چندوچون بر آن باشیم که در هر گوشه گیتی که این جشن و آیین روایی دارد، فرهنگ گران‌سنگ و نازشخیز ایران تا بدان گوشه راه برده است. به درستی نمی‌توانیم آغاز و خاستگاه نوروز را در ایران نشان بدهیم و آشکار بداریم؛ آنچه در این باره به روشنی و استواری می‌دانیم، آن است که این جشن در روزگار هخامنشیان روایی داشته است. برپایه انگاره‌ای، شهر شگرف و نمادین تخت‌جمشید، به آهنگ برگزاری جشن و آیین نوروز پی افکنده شده است. بر دیوارهای این شهر شگفت، رده‌ای دراز از نمایندگان و فرستادگان کشورهای گوناگون نقش زده شده است که به درگاه شهریار بزرگ هخامنشی داریوش بار می‌یابند تا ارمغان‌ها و "نوروزیانه‌هایشان" را بدو پیشکش

